

محمد رضا شیرخانلو، بازیگر:

بچه‌ها صادق‌ترین تماشاگران سینما هستند

محمد رضا شیرخانلو که سال‌هاست در آثار کودک و نوجوان حضور دارد، معتقد است سینمای کودک تنها یک ژانر سرگرم‌کننده نیست، بلکه نقش مهمی در شکل‌گیری تخیل، فرهنگ و آینده نسل جدید دارد. او در گفت‌وگو با روزنامه صبا از تجربه حضور در «سفر به لیمونیا»، همکاری با گروه سازنده، وضعیت امروز سینمای کودک و ضرورت حمایت جدی‌تر از این گونه سینمایی سخن می‌گوید.

○ چه چیزی در فیلمنامه «سفر به لیمونیا» باعث شد بازی در این پروژه را قبول کنید؟

چیزی که برای من جذاب بود، دنیای متفاوت و خیال‌انگیز فیلم بود. شخصیت غول هم برخلاف تصور رایج، فقط یک موجود ترسناک نیست و ابعاد انسانی و احساسی هم دارد که همین موضوع باعث شد نقش را بپذیرم.

○ فضای فانتزی و رمزآلود فیلم چه تفاوتی با کارهای قبلی‌تان داشت؟

در این فیلم باید بیشتر به تخیل تکیه می‌کردم و بخش زیادی از فضا را هنگام بازی تصور می‌کردم. این تجربه برایم متفاوت و هیجان‌انگیز بود.

○ بازی در فیلم کودک سخت‌تر است یا آثار جدی‌تر برای بزرگسالان؟

فیلم کودک مخاطب بسیار صادقی دارد. بچه‌ها اگر با شخصیت ارتباط نگیرند، واکنششان کاملاً واقعی است. به همین دلیل، بازی در آثار کودک مسئولیت ویژه‌ای دارد.

○ به نظر شما مهم‌ترین پیام «سفر به لیمونیا» برای بچه‌ها چیست؟

اینکه نباید از روی ظاهر درباره دیگران قضاوت کنیم و شجاعت، مهربانی و دوستی می‌تواند بر ترس غلبه کند.

○ همکاری با بچه‌ها و نوجوان‌های حاضر در پروژه چه حال و هوایی داشت؟

انرژی و صداقت آن‌ها فضای صمیمی و پرنشاطی ایجاد کرده بود و باعث می‌شد همه با انگیزه بیشتری کار کنیم.

○ شما علاوه بر بازیگری، در نگارش فیلم هم حضور داشتید؛ نویسنده‌گی سخت‌تر بود یا بازی در فیلم؟

به نظرم هر کدام سختی‌های خودش را دارد. نویسنده‌گی از مرحله خلق ایده آغاز می‌شود و بازیگری جان بخشیدن به همان ایده‌هاست. هر دو برایم تجربه ارزشمندی بودند.

○ فکر می‌کنید کودکان امروز چقدر با فیلم‌های فانتزی ایرانی ارتباط برقرار می‌کنند؟

اگر داستان جذاب، شخصیت‌های دوست‌داشتنی و کیفیت تولید مناسب باشد، کودکان حتماً از فیلم‌های فانتزی ایرانی استقبال می‌کنند. ۸. چه ویژگی‌ای در شخصیت شما در این فیلم وجود دارد که به خود واقعی‌تان نزدیک است؟ مهربانی و حمایت از دیگران، ویژگی‌ای است که هم در شخصیت غول وجود دارد و هم دوست دارم در زندگی واقعی داشته باشم.

○ به نظر‌تان سینمای کودک ایران امروز بیشتر از هر چیز به چه چیزی نیاز دارد؟

به سرمایه‌گذاری بیشتر روی فیلمنامه‌های خلاقانه، جلوه‌های ویژه باکیفیت و حمایت مستمر از تولید آثار کودک.

○ بعضی‌ها می‌گویند بازی در آثار کودک، بازیگر را از سینمای «جدی» دور می‌کند؛ نظر شما چیست؟

من با این نگاه موافق نیستم. بازیگر خوب باید بتواند در ژانرهای مختلف حضور داشته باشد و اتفاقاً بازی در آثار کودک به تجربه و توانایی او اضافه می‌کند. صحبت پایانی: امیدوارم «سفر به لیمونیا» لحظات شاد و خاطره‌انگیزی برای کودکان و خانواده‌ها بسازد و یادآوری کند که پشت هر ظاهر متفاوتی، ممکن است قلبی مهربان پنهان باشد. از همه مخاطبان دعوت می‌کنم این فیلم را روی پرده سینما ببینند و از این سفر فانتزی لذت ببرند.



گسترده‌تری وجود داشته باشد، قطعاً ظرفیت جذب مخاطب بیشتری هم خواهد داشت.

○ شما سال‌ها در فضای کودک فعالیت کرده‌اید. فکر می‌کنید امروز سینمای کودک واقعاً برای مدیران فرهنگی مهم است یا فقط در حد شعار از آن حمایت می‌شود؟

امیدوارم مهم باشد، اما واقعیت این است که هنوز فاصله زیادی میان حرف و عمل وجود دارد. اگر واقعاً سینمای کودک اولویت باشد، این موضوع باید در تولید، اکران، تبلیغات، بودجه و حمایت از فیلمسازان و بازیگران این حوزه هم دیده شود. صرف صحبت کردن کافی نیست؛ این حمایت باید در عمل اتفاق بیفتد.

○ بعضی‌ها معتقدند بازی در آثار کودک، بازیگر را از سینمای جدی دور می‌کند. نظر شما چیست؟

من اصلاً با این نگاه موافق نیستم. بازیگر، بازیگر است، احساس، تکنیک و توانایی بازیگری در همه ژانرها یکسان است؛ فقط جنس بیان و فضای اجرا تفاوت دارد. اتفاقاً بازی برای کودک گاهی سخت‌تر هم هست، چون کودک اگر چیزی را باور نکند، خیلی راحت واکنش نشان می‌دهد و ارتباطش را با فیلم قطع می‌کند. بنابراین این تصور که بازیگر کودک از سینمای جدی فاصله می‌گیرد، از نظر من کاملاً اشتباه است.

○ چرا هنوز بعضی خانواده‌ها فیلم کودک را جدی‌تر از خود بچه‌ها نمی‌گیرند؟

شاید چون تصور می‌کنند فیلم کودک فقط وسیله‌ای برای سرگرمی است، در حالی که بخش مهمی از شخصیت، فرهنگ، تخیل و حتی نگاه کودکان به جهان از همین آثار شکل می‌گیرد. اگر برای آینده بچه‌ها اهمیت قائل هستیم، باید برای سینمای کودک هم اهمیت قائل باشیم. این سینما نقش تربیتی و فرهنگی مهمی دارد و نباید آن را دست‌کم گرفت.

○ اگر امروز بخواهید یک مطالبه جدی درباره سینمای کودک مطرح کنید، آن مطالبه چیست؟

بزرگ‌ترین مطالبه من این است که سینمای کودک از حالت شعاری خارج شود. حمایت واقعی از تولید، اکران مناسب، تبلیغات مؤثر و همچنین احترام به هنرمندانی که سال‌ها در این حوزه فعالیت کرده‌اند، اتفاقی است که باید به شکل جدی‌تر رخ بدهد. اگر این حمایت‌ها وجود داشته باشد، قطعاً کیفیت آثار هم بالاتر خواهد رفت.

○ واکنش مخاطبان، به‌ویژه کودکان، نسبت به فیلم را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

هر بازخورد مثبتی که از کودکان و خانواده‌ها دریافت کرده‌ایم، برای من ارزشمند بوده است. وقتی یک کودک با لبخند از سالن سینما بیرون می‌آید و خانواده‌ها از فیلم ابراز رضایت می‌کنند، احساس می‌کنم تمام زحمات گروه به نتیجه رسیده است. این بهترین پاداش برای همه کسانی است که در تولید یک فیلم کودک تلاش می‌کنند.

حضور در هر ژانری را داشته باشد؛ از کم‌دی و کودک گرفته تا اجتماعی، تاریخی، درام یا حتی نقش‌های منفی. امیدوارم این نگاه در سینمای ایران تغییر کند و بازیگرها صرفاً به خاطر سابقه‌شان در یک ژانر، از فرصت‌های دیگر محروم نشوند. بازیگر باید فرصت تجربه کردن داشته باشد.

○ سخت‌ترین بخش بازی در یک دنیای فانتزی چیست؛ واقعی کردن تخیل یا باورپذیر کردن احساسات؟

به نظر من مهم‌ترین بخش، باورپذیر کردن احساسات است. اگر احساسی که بازیگر منتقل می‌کند واقعی باشد، مخاطب دنیای فانتزی را هم می‌پذیرد و با آن همراه می‌شود. در فیلم‌های فانتزی، مخاطب قرار نیست صرفاً جلوه‌های ویژه را ببیند؛ او باید شخصیت‌ها را باور کند. این اتفاق زمانی می‌افتد که بازیگر با تمام وجود نقش را زندگی کند. اگر احساسات درست منتقل شود، تخیل هم برای تماشاگر واقعی می‌شود.

○ «سفر به لیمونیا» برای شما فقط یک نقش بود یا تجربه‌ای که نگاهتان را هم تغییر داد؟

هر پروژه‌ای برای یک بازیگر تجربه تازه‌ای است و قطعاً چیزهایی به او یاد می‌دهد. یکی از جذاب‌ترین بخش‌های این فیلم برای من، همکاری با حدود پانزده تا بیست بازیگر کودک و نوجوان بود. کودکان با صداقت بازی می‌کنند و انرژی فوق‌العاده‌ای دارند. همین موضوع باعث می‌شود خودت هم با انگیزه و تمرکز بیشتری مقابل دوربین حاضر شوی. فضای پشت صحنه هم کاملاً متفاوت بود و همین تجربه برای من ارزشمند و ماندگار شد.

○ بعضی‌ها معتقدند سینمای کودک در روزگار امروز دیگر «ضرورت» نیست. شما چه نظری دارید؟

من دقیقاً برعکس فکر می‌کنم. اتفاقاً امروز که کودکان با حجم زیادی از اخبار تلخ، استرس و نگرانی‌های مختلف روبه‌رو هستند، بیشتر از هر زمان دیگری به قصه، خیال، شادی و امید احتیاج دارند. سینمای کودک فقط وسیله‌ای برای سرگرمی نیست؛ این سینما می‌تواند در رشد فکری، روحی و حتی فرهنگی بچه‌ها نقش مهمی داشته باشد. به همین دلیل معتقدم هرچه شرایط جامعه سخت‌تر باشد، اهمیت سینمای کودک هم بیشتر می‌شود.

○ اگران فیلم کودک همیشه دشوار بوده است، با وضعیت اقتصادی امروز، «سفر به لیمونیا» چگونه باید برای دیده شدن بجنگد؟

به نظرم مهم‌ترین مسئله، حمایت واقعی در حوزه اکران و تبلیغات است. اگر خانواده‌ها اصلاً از وجود یک فیلم خوب باخبر نشوند، طبیعی است که آن فیلم دیده نخواهد شد. سینمای کودک بیش از هر ژانر دیگری نیازمند معرفی درست و حمایت جدی است. خوشبختانه «سفر به لیمونیا» تا امروز فروش خوبی داشته و تا آخرین آماري که من اطلاع دارم، حدود هشت میلیارد تومان فروش کرده است، اما اگر تبلیغات و حمایت

○ در پروژه‌ای با این میزان فضای فانتزی، کنترل کیفیت تصویر بیشتر بر عهده تهیه‌کننده بود یا تیم جلوه‌های ویژه؟

طبیعتاً در هر پروژه‌ای تهیه‌کننده تا حدی بر کیفیت کار نظارت دارد، اما در فیلمی مانند «سفر به لیمونیا» که بخش قابل توجهی از آن بر پایه جلوه‌های ویژه کامپیوتری (CGI) ساخته شده، بخش زیادی از مسئولیت به تیم جلوه‌های ویژه سپرده می‌شود. البته در تمام مراحل کار، روند تولید جلوه‌های ویژه را دنبال می‌کردم و تلاش می‌کردم کیفیت نهایی همان چیزی باشد که از ابتدا در ذهن داشتیم. خوشبختانه از نتیجه این بخش رضایت دارم. هرچند معتقدم هنوز می‌توانیم در پروژه‌های آینده بهتر عمل کنیم. اتفاقاً در فیلم جدید هم تصمیم دارم دوباره از فناوری‌های روز استفاده کنم؛ چه جلوه‌های ویژه کامپیوتری و چه حتی هوش مصنوعی. به نظرم سینمای ایران ناگزیر است به سمت استفاده از تکنولوژی‌های جدید حرکت کند. اگر بخواهیم با سینمای جهان همگام شویم، باید از این ابزارها بیشتر استفاده کنیم. شخصاً تجربه استفاده از CGI در «سفر به لیمونیا» را موفق می‌دانم و قطعاً در آثار بعدی نیز این مسیر را ادامه خواهیم داد.

ابراهیم شفيعی، بازیگر:

سینمای کودک نباید فقط در حد شعار حمایت شود

ابراهیم شفيعی معتقد است سینمای کودک امروز بیش از هر زمان دیگری به حمایت واقعی نیاز دارد. او که سال‌ها در آثار کودک و کم‌دی حضور داشته، در گفت‌وگو با روزنامه صبا از تجربه حضور در «سفر به لیمونیا»، دغدغه‌هایش درباره نگاه کلیشه‌ای به بازیگران و ضرورت توجه جدی‌تر به سینمای کودک سخن می‌گوید.

○ چه شد که بازی در «سفر به لیمونیا» را پذیرفتید؟

چیزی که برای من از همان ابتدا جذاب بود، فضای فانتزی و متفاوت فیلم و البته نگاه آقای کمال مقدم به سینمای کودک بود. احساس کردم با اثری روبه‌رو هستم که هم می‌تواند برای بچه‌ها سرگرم‌کننده باشد و هم در دل قصه، پیام‌های ارزشمندی برای مخاطب داشته باشد. از طرف دیگر، شخصیت «هوشنگ» برایم کاراکتر دوست‌داشتنی و جذابی بود. احساس کردم ظرفیت خوبی برای بازی دارد و می‌توانم تجربه متفاوتی را با این نقش پشت سر بگذارم. همین عوامل باعث شد با علاقه حضور در این پروژه را بپذیرم.

○ شما سال‌ها در آثار کودک و کم‌دی دیده شده‌اید و حتی پیش‌تر از محدود شدن بازیگران در این فضا گلایه کرده بودید. «سفر به لیمونیا» ادامه همان مسیر است یا تلاشی برای شکستن آن تصویر؟

من هیچ وقت از حضور در آثار کودک و کم‌دی ناراحت نبوده‌ام، چون معتقدم بازی برای کودک یکی از سخت‌ترین و در عین حال ارزشمندترین شاخه‌های بازیگری است. مخاطب کودک بسیار صادق است؛ اگر چیزی را دوست نداشته باشد یا باور نکند، خیلی راحت از آن عبور می‌کند و نمی‌توان او را فریب داد. اما همیشه یک دغدغه جدی داشته‌ام و آن هم این است که متأسفانه در سینمای ما بازیگران را براساس ژانری که بیشتر در آن دیده شده‌اند، دسته‌بندی می‌کنند. در حالی که یک بازیگر واقعی باید توانایی